

## شیوه‌های تشویق و تقویت مشارکت عمومی مردم در فرآیند آموزش و پرورش

ژیلا بهرامزاده ۱، جمال درخشان ۲ و مرضیه صفدری مقدم ۳

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان

bahramzadeh@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش و بهسازی منابع انسانی دانشگاه پیام نور کرمان

Gichki.jameel@gmail.com

۳. کارشناس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زابل

m.s.moghadam@gmail.com.

### چکیده

آموزش و پرورش، از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است و به سبب ذات اجتماعی آن، هنگامی به نحو بهینه کار می‌کند و به آرمان‌های خویش نزدیک‌تر می‌شود که در جامعه و با جامعه کار کند. به تعبیر دیگر اداره کردن نهادی چون آموزش و پرورش، از بالا به پایین و مانند دیگر ادارات و دستگاه‌های دولتی، یک‌سویه نیست، بلکه جنبه تعاملی دارد و حاصل تلاش‌ها و مساعی چندسویه است. در این میان، مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدرسه می‌تواند موجب شکوفایی و پیشرفت هرچه بیشتر تعلیم و تربیت نسل آینده شود. مشارکت، پدیده‌ای پیچیده‌تر و والاتر از همکاری است. در همکاری، کماکان مدرسه به صورت یک‌سویه اداره می‌شود، اما از جامعه نیز یاری می‌گیرد در اموری که خود می‌خواهد و به صورتی که خود تشخیص می‌دهد، در حالی که در مشارکت، مردم خود دخیل در امور هستند و تصمیم می‌گیرند و مسئولیت می‌پذیرند. در این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی، ماهیت مشارکت و شیوه‌های مشارکت مردمی در امور آموزش و پرورش دانش‌آموزان بررسی می‌شود و هدف، مرور روش‌هایی است که مشارکت عمومی در امور مدرسه افزایش یابد و به بهبود کیفیت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان بینجامد.

واژگان کلیدی: مشارکت، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان، والدین.

**۱- مقدمه**

مشارکت از بدیهیات زندگی جمعی بشر و از آموزه‌ها و اوامر صریح ادیان الهی به‌ویژه دین مبین اسلام است. امروزه در کشور ما مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت، بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. این امر از یکسو به اهمیت آموزش و پرورش و نقشی که این امر در توسعه ملی کشور دارد و از سوی دیگر به ناکافی بودن بودجه وامکانات دولت علیرغم بیشترین حجم سرمایه گذاری ملی در این بخش مربوط میشود. موقعیت سرمایه‌گذاری دولت در امر آموزش و پرورش، کشور ما را جزو بیست کشور موقعیت اول جهان که بالاترین سهم بودجه خویش را صرف بخش آموزش و پرورش نموده اند قرار داده است. این در شرایطی است که در مقایسه تطبیقی بین المللی از نظر سهم سرانه دانش آموزی با توجه به جمعیت گسترده دانش آموزان، کشور ما رتبه هفتم را دارد (آقازاده، ۱۳۷۲: ۴۶). این امر به خوبی نشان می‌دهد که علی‌رغم سرمایه‌گذاری وسیع دولت در امر آموزش و پرورش به دلیل عدم بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در این بخش مهم، وضعیت توزیع امکانات آموزشی چندان مطلوب نیست. اگر واقعاً به آموزش و پرورش به عنوان محور توسعه ملی معتقد باشیم و بدانیم که امروزه در جهان کشورهایی که با عزم راسخ ملی، سرمایه‌گذاری اصلی و و برنامه‌ریزی اساسی خویش را به تقویت و تحکیم پایه‌های این بخش مهم اختصاص داده و به همین دلیل، در شاخص‌های توسعه به توفیقات مهمی دست یافته اند، قطعاً به برنامه‌ریزی اصولی و سرمایه‌گذاری زیربنایی برای امر آموزش و پرورش در کشور توجه بیشتری معطوف خواهیم داشت (خانیک، ۱۳۷۷: ۳۱).

**۱-۱- بیان مسئله**

مشارکت عمومی در اداره کردن دستگاه آموزش و پرورش به ویژه در حوزه مالی و امکانات و پشتیبانی، از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب نموده است. اختصاص حجم قابل ملاحظه‌ای از منابع به آموزش و پرورش، نیاز فزاینده به منابع بیشتر، ارتباط آموزش با رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، محدودیت‌های تامین منابع مالی آموزش و پرورش، برنامه‌های حمایت از طبقات محروم برسر منابع یا آموزش و پرورش باعث گردیده است که سهم آموزش و پرورش در بودجه دولت به ویژه از اواسط دهه دوم پس از انقلاب به تدریج کاهش یافته و آموزش و پرورش با تنگناهای شدید مادی مواجه شود. از سوی دیگر بالاترین سرمایه‌گذاری‌های دولتی هنگامی که با حمایت مردمی و مشارکت‌های واقعی آنان همراه نباشد، راه به جایی نخواهد برد و همانطور که در بالا اشاره شد، در توزیع سرانه دانش‌آموزی کیفیت مطلوب و قابل قبولی مشاهده نخواهد شد.

اما وجه مالی و پشتیبانی و امکانات تنها یک سوی پدیده مشارکت است. مشارکت‌های مردمی، تجلی عشق و درک مردم از تعلیم و اهمیت والای آن در جهان معاصر و تمدن کنونی به شمار می‌آید. عشق و علاقه به آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان زیباترین و بهترین زمینه‌های مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت را فراهم آورده است. پیش از این، مفهوم سنتی مشارکت‌های مردمی، وجه مالی آن را به تنهایی به ذهن ما متبادر می‌نمود. به عبارت دیگر پدران و مادران، معنای مشارکت را پرداخت وجوهی برای هزینه‌های مدرسه می‌دانستند (ایمان، ۱۳۸۰: ۴۲). اما امروزه مفهوم مشارکت بسیار عام‌تر از گذشته و مشارکت به معنای دست در دست هم گذاشتن برای به انجام رساندن کارهاست، کاری که می‌تواند به صورت پرداخت وجوه مادی، انجام کمک‌های فکری و حتی کارهای تخصصی تجلی یابد. آنچه امروزه انجام و مشارکت را در یک جامعه با معنی می‌سازد اراده، خواست و باور مردم در انجام آن است و این امر زمانی تحقق می‌یابد که دو عنصر آگاهی مشارکت و تضمین نحوه‌ی مشارکت به عنوان امری جدی و مستمر مورد توجه قرار گیرد. اگر انسان‌ها از نحوه‌ی مشارکت و نیاز به آن اطمینان حاصل نمایند و بدانند که ارایه مشارکت آنها مستمر و جدی است قطعاً از انجام آن مضایقه نخواهند کرد، اما آنچه این گمان برای آنان حاصل می‌شود که موضوع مشارکت فقط در زمان‌هایی خاص، آن هم برای رفع نیازهایی معین انجام می‌گیرد، باور مشارکت در آنان به صورت جدی ایجاد نخواهد شد (ضمیری، ۱۳۷۲: ۴۲).

بر اساس آنچه گفته شد، در این مقاله برآنیم که بررسی نمایم در حال حاضر میزان و شیوه‌های مشارکت مردم در امر مدرسه سازی چگونه است و چگونه می‌توان مشارکت مردم را در امور مدرسه بیشتر کرد. همچنین کدام یکی از شیوه‌های مشارکت مردم

در مدرسه سازی موفق تر بوده اند؟ نیز برآنیم که بررسی نماییم کاستی‌ها و موانع موجود در امر مشارکت های مردمی کدامند و چگونه می‌توان این موانع را رفع کرد؟

## ۱-۲- پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع آموزش و پرورش به صورت کلی و اهمیت مشارکت‌های مردمی در امور آموزش و پرورش، تاکنون پژوهش‌هایی چند در این حوزه صورت گرفته‌است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- جهانیان، رمضان. (۱۳۸۹). «بررسی راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش». فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزشی. شماره ۳. صص ۴۵-۵۸. این مقاله بیش‌تر بر داده‌های کمی مبتنی است و به لحاظ بحث‌های کیفی و بحث و بررسی ماهوی مسائل مربوط به مشارکت عمومی در آموزش و پرورش دچار کاستی است، چیزی که در مقاله حاضر در پی پرداختن بیش‌تر به آن هستیم. این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش با روش پیمایشی اجرا گردیده است. حجم جامعه آماری این تحقیق همه مدیران مدارس به تعداد ۹۲۷ نفر و کارکنان ادارات آموزش و پرورش استان ۸۸۴ نفر و اولیای دانش‌آموزان به تعداد ۱۵۳۱۲۶ نفر و حجم نمونه آماری به کمک جدول تعیین حجم نمونه مورگان در هر یک از طبقات یاد شده به ترتیب عبارتند از ۲۶۹ نفر مدیر، ۲۶۵ نفر کارمند و ۱۹۲ (۳۸۴÷۲) نفر ولی دانش‌آموز که با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته که دارای ۴۸ سوال پنج‌گزینه‌ای با استفاده از مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت تهیه گردید. روایی پرسشنامه توسط بیست نفر از صاحب‌نظران بررسی شد و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرانباخ محاسبه و ضریب پایایی ۰/۷۲ به دست آمد. نتایج به دست آمده نشان داد که مهمترین راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش می‌تواند در شش قلمرو شامل: امور مربوط به آموزش و تدریس، امور مربوط به دانش‌آموزان، امور مربوط به کارکنان، رابطه مدرسه با جامعه، تجهیزات و امکانات مورد نیاز و امور مالی و اداری واحدهای آموزشی قرار گیرد.

- یوسفی، مریم؛ انبارلو، علیرضا. (۱۳۹۷). «تحلیل و بررسی شیوه‌های مشارکت موثر مردم در مسایل آموزش و پرورش». دوازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت. در چکیده این مقاله می‌خوانیم: آموزش و پرورش، محور توسعه و مدار تحول در جامعه و ابزای مهم برای رسیدن به پیشرفت همه جانبه است. رشد روزافزون جمعیت و تقاضای فزاینده برای آموزش و ارتقای کیفیت آن از یک سو و محدودیت شدید منابع مالی دولتی و سیر نزولی سهم آموزش و پرورش از درآمد ملی از سوی دیگر، منجر به عدم تعادل میان ظرفیت امکاناتی آموزش و پرورش در مقابل انتظارات متنوع جامعه شده است. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل شیوه‌های مشارکت موثر مردم در مسایل آموزش و پرورش می‌باشد و در پایان پیشنهادها لازم را در این زمینه ارائه می‌دهد. برای انجام این مطالعه از طریق استنادی به بررسی مبانی نظری و ادبیات پژوهشی موجود پیرامون موضوع تحقیق پرداخته شده است اختصاص حجم قابل ملاحظه‌ای از منابع به آموزش و پرورش، نیاز فزاینده به منابع بیشتر، ارتباط آموزش با رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، محدودیت‌های تامین منابع مالی آموزش و پرورش، برنامه‌های حمایت از طبقات محروم بر سر منابع یا آموزش و پرورش باعث گردیده است که سهم آموزش و پرورش در بودجه دولت به ویژه از اواسط دهه دوم پس از انقلاب به تدریج کاهش یافته و آموزش و پرورش با تنگناهای شدید مادی مواجه شود. از سوی دیگر بالاترین سرمایه‌گذاری‌های دولتی هنگامی که با حمایت مردمی و مشارکت‌های واقعی آنان همراه نباشد، راه به جایی نخواهد بود. نتایج به دست آمده مبین این حقیقت است توسعه فرهنگی و مشارکت مردم یکی از راه‌های بسیار مهمی است که از طریق آن می‌توان انواع بسیاری از مشکلات آموزش و پرورش از جمله مشکلات اقتصادی را برطرف کرد. مشارکت مردم در هدایت آموزش و پرورش نقش عمده‌ای در جامعه ایفا می‌کند و گسترش اندیشه مشارکت مردم از اصول اساسی است.

- هاشمی، یوسف؛ نژاداسلامی، پرویز. (۱۳۹۴). «مقایسه موانع مشارکت مردم در نظام آموزش و پرورش از دیدگاه اولیاء و مدیران مدارس». اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تاکید بر پژوهش‌های نوین. پژوهش حاضر

با هدف (مقایسه موانع مشارکت مردم در نظام آموزش و پرورش از دیدگاه اولیا و مدیران مدارس) بود. روش پژوهش توصیفی - علی مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه اولیا و مدیران مدارس دولتی طی سه سال قبل (۹۱-۹۳) در آموزش و پرورش که تعداد این افراد ۳۰۰ نفر بود. ۱۱۸ نفر نمونه به روش نمونه گیری تصادفی ساده و با استناد به فرمول کوکران انتخاب شده برای گردآوری داده ها از دو پرسش نامه محقق ساخته استفاده شد. روایی این پژوهش محتوایی بود. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضرایب الفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ۰/۸۹ و ۰/۹۰ محاسبه شد. جهت تحلیل سؤالات پژوهش از نرم افزار SPSS استفاده شد برای تجزیه و تحلیل یافته ها از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی (تی مستقل) استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که مقدار T به دست آمده در مقایسه موانع مشارکت مردم در مدارس دولتی از نظر مدیران ۰/۰۲۱ می باشد که این مقدار به لحاظ آماری معنی دار می باشد ( $p < 0/05$ ). همچنین مقدار T به دست آمده در مقایسه موانع مشارکت مردان در مدارس دولتی از نظر اولیا ۰/۰۱۱ می باشد که این مقدار به لحاظ آماری معنی دار می باشد ( $p < 0/05$ ). بنابراین یافته ها حاکی از آنست که میان نظر مدیران مدارس و اولیا در مورد شاخص های موانع مشارکتی تفاوت معنی داری از لحاظ آماری وجود دارد.

### ۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

آموزش و پرورش، رکن رکین رشد و توسعه جامعه است و نسل آینده کشور در سایه رشد و توسعه نیکو و شایسته کشور است که به خوبی تربیت می شوند و می بالند. بدیهی است که چنین آرمانی، جز با مشارکت عمومی مسئولان و مردم حاصل نمی شود. لذا موضوع این مقاله یعنی بررسی راه های تافزایش مشارکت مردمی در فرایند آموزش و پرورش دارای اهمیت و ضرورت بسیار است.

### ۲- بحث

#### ۱-۲- مشارکت چیست؟

مشارکت، مصدر باب مفاعله از ریشه «شرك» به معنی شرکت کردن دو طرفه در کاری واحد است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مشارکت»). مشارکت جاری شدن اختیار و قدرت از یک سطح سازمان به سطوح دیگر است به گونه ای که منجر به افزایش سطح توان متوسط آن سازمان شود. مشارکت را می توان از دیدگاه وسیع و محدود تعریف کرد، مشارکت در معنی وسیع خود عبارت است از: ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی، در این معنی وسیع ساخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طوری تحول می یابد که به نیازها و تقاضاها و آزمونهای اکثریت محروم که به صورت گروههای متشکل و سازمان یافته در نیامده اند و نقش مهمی در اخذ تصمیمات ندارند، بیش از پیش پاسخگو می شود. از دید محدود مشارکت عبارت است از: متشکل ساختن گروههای محروم از مزایای اجتماعی به منظور تأمین برخی نیازهای ضروری آنها که بوسیله دولت تأمین نمی شود و یا خارج از توانائی مالی دولت است از طریق خودیاری. در تعریفی دیگر درباره مشارکت گفته اند که مشارکت هر نوع فعالیت اجتماعی، اقتصادی، تعاونی، حقوقی، تبلیغاتی و ... است که همه افراد به طور آزاد و داوطلبانه و با علاقه و میل شخصی خودشان در رابطه با مسائل اجتماعی به عمل می آورند (ضمیری، ۱۳۷۲: ۷۱).

مشارکت از دیرباز با زندگی انسانها پیوند داشته و زمان پیدایش آن به آغاز پیدایش خانواده و زندگی مشترک بین زن و مرد بر می گردد، به گونه ای که در این ارتباط، رشد و بالندگی آنها فراهم شود. به تدریج مشارکت در زمینه های دیگر، مانند کار و صنعت، راه خود را گشود و سرانجام مردمان حق آن را یافتند که در تعیین سرنوشت خود صاحب اختیار شوند و در طراحی آینده خود مشارکت جویند (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۳). امروزه مشارکت را دانش نوین و علم رو به ظهور می دانند. محور توجه این علم جدید از عمل متقابل اجزا نشأت می گیرد. این علم به بررسی و کشف قابلیت و توانایی گستردگی اطلاعات نظام های مشارکتی مبادرت می کند، همچنین چگونگی تأثیر رفتار را در هنگامی بررسی می کند که نظام پیچیده تر از آن است که بتوان روی آن نظارت داشت (ضمیری، ۱۳۷۲: ۶۳).

## ۲-۲- تفاوت مشارکت و همکاری

همان‌گونه که جامعه‌پذیری متفاوت از تعلیم و تربیت است، مشارکت نیز متمایز از همکاری می‌باشد. با توجه به نیازمندی نهاد آموزش و پرورش به مشارکت دانش‌آموزان برای حفظ پویایی خود، بررسی موانع آن یک ضرورت است که در این مقاله به آن توجه شده است. نظام اجتماعی و حیات سیاسی جامعه بشری به تعاون و مشارکت اعضای آن بستگی دارد. این امر از طریق همیاری‌های مردمی استوار می‌گردد و آموزش و پرورش به عنوان نظامی اجتماعی نیازمند مشارکت و همکاری همه اجزای نظام است. این نظام بدون مشارکت مؤثر مردم و کارکنان در ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و عاطفی نمی‌تواند فرایند تعلیم و تربیت را به خوبی عملی سازد. با این حال میان مشارکت و همکاری، تفاوت‌های جدی هست و آنچه اینجا مدنظر ماست، مشارکت است.

همکاری، اقدامی است در ذات خود داوطلبانه و اختیاری و از سوی کسی یا دستگاهی خواسته می‌شود و کسی یا دستگاهی دیگر آن را با اختیار خود اجابت می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «همکاری»). به سبب ذات اختیاری و داوطلبانه این پدیده، مسئولیتی نیز در قبال آن نیست و نیز تداوم و ثبات در آن دیده نمی‌شود و به سبب الزامی نبودن، برنامه‌ای نیز نمی‌شود روی آن ریخت. در حقیقت در همکاری والدین با آموزش و پرورش، کماکان امور را آموزش و پرورش انجام می‌دهد و والدین به اختیار خود با آموزش و پرورش سهیم می‌شوند. اما مشارکت، سطحی بالاتر دارد و مردم در امور، داخل می‌شوند و جزئی از فرایند امور می‌شوند و طبیعتاً در قبال این سهیم شدن عمیق و دقیق در امور، مسئولیت نیز دارند و این سطحی عمیق‌تر و حساسیت بیش‌تری را در فرایند سهیم شدن مردم در امور آموزش و پرورش به نمایش می‌گذارد.

## ۲-۳- مشارکت در آموزش و پرورش، سنتی دیرینه در ایران

مشارکت مردمی در فرایند آموزش و پرورش در ایران، سنتی دیرینه و باستانی است. تربیت در ایران باستان بیشتر بر عهده ی دو نهاد خانواده و دین بود. مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش را می‌توان در پیوند با این دو نهاد بررسی کرد. همین که طفل زبان به سخن باز می‌گشود، نخستین واژه که به او یاد می‌دادند نام یزدان بود و سپس آموزه‌های دینی و رستگاری اخروی و دیگر مفاهیم لازم برای سعادت بشر در خانه و در آغوش خانواده به کودک آموخته می‌شد. پس از اینکه کودک به هفت سالگی می‌رسید سرپرستی او را به روحانیان که نقش حکیمان و دانشمندان جامعه را داشتند، واگذار می‌شد. بدین ترتیب همیاری خانواده و مؤبدان، بنیاد آموزش را پایه‌ریزی کرد. دبستانها معمولاً در محل عبادتگاه‌ها تأسیس می‌شدند (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۳). بنابراین مدرسه در ایران، نهادی مردمی برخاسته از مشارکت مردم و پاسداران دین بود. افزون بر همیاری خانواده‌ها و مؤبدان، به احتمال زیاد یکی از دیگر راه‌های مشارکت مردم با نهادهای آموزشی و دینی، وقف بوده است. این سنت در ایران باستان پیشینه‌ای روشن دارد و علت محبوبیت و مقبولیت سنت وقف در ایران دوره اسلامی، وجود این سنت در ایران باستان بوده است. ایرانیان از اعصار باستان و عصر زرتشتی، املاک خویش را وقف امور خیر می‌کردند و یکی از این امور، تعلیم و تربیت کودکان بوده است. مشارکت‌هایی که در این زمان صورت می‌گرفت بیشتر جنبه فرقه‌ای و گروهی داشت. کوشندگان هر آیین و مذهب بر آن بودند تا فرزندان خود را بر مبنای آئین و مذهب خود بپرورند و اموال و املاکی را وقف نهادهای آموزش فرقه و مسلک خود می‌کردند. در آموزشگاه‌های رسمی، بیشتر فرزندان طبقه بالا جامعه را آموزش می‌دادند و مشارکت توده‌های مردم بیشتر در پیوند با نهادهای خانوادگی و دینی بوده است تا آموزشگاه‌های رسمی (آرام، ۱۳۷۴: ۶۳).

در دوره اسلامی نیز مشارکت‌های مردمی به همان شیوه ایران باستان ادامه داشت. پیش از فرستادن کودک به مکتب، خانواده نخستین تعالیم را که عبارت بود از آیات و احادیث و اشعار و داستان‌های مفید را به کودک می‌آموختند. همچنین بیش‌تر مداس، مدارس دینی بودند که در مساجد و تکایا و خانقاه‌ها تشکیل می‌شدند و بیش‌تر هم از طریق وقف که حاصل از مشارکت مردمی بود، اداره می‌شدند. بنابراین ایرانیان از دیرباز به شکل‌های گوناگون در امور آموزش و پرورش سهیم بودند و این پدیده در ایران مسبوق به سابقه‌ای درخشان و دیرینه است (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۲).

## ۲-۴-۲- شيوه‌های گسترش دادن سطح مشارکت مردمی در آموزش و پرورش

### ۱-۲-۴- توجه به سنت‌های ایرانی و اسلامی در حوزه مشارکت‌های مردمی

از آنجا که ایرانیان از دیرباز به صورت مردمی و همگانی در آموزش و پرورش مشارکت داشته‌اند، یکی از روش‌های افزایش مشارکت مردمی در آموزش و پرورش، توجه به تاریخ زرین ایران و اسلام جهت بررسی و استخراج روش‌های مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش است و بی‌تردید با این شگرد می‌توان به نتایج مفید فراوانی رسید. توصیه به کار جمعی، درخواست همکاری از مردم در عین مسئولیت‌پذیری که همکاری را به مشارکت تبدیل می‌کند، ارج نهادن به آرا و اندیشه‌ها و پیشنهادهای والدین و توجه به اینکه مردم، صاحبان حقیقی آموزش و پرورش هستند، می‌تواند باری دیگر مانند گذشته‌های پرشکوه ایران و اسلام، مشارکت و مشورت و همیاری را که از آموزه‌های اساسی اسلام و از اندیشه‌های ناب ایرانی است، توسعه دهد (ضمیری، ۱۳۷۲: ۵۶).

### ۲-۴-۲- توجه به انتظار والدین

یکی از راهکارهای گسترش مشارکت مردمی در فعالیت‌های متنوع مدرسه، توجه به انتظارات والدین است. در مهم‌ترین انتظارات اولیا از مدیران بر اساس نتایج بدست آمده عبارتند از:

- حضور همه جانبه اولیا و مربیان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، پرورشی و اداره مدرسه
- اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع درباره‌ی وضعیت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان مسائل و مشکلات مدرسه
- قدردانی از فعالیت‌ها و همکاری‌های مدرسه
- ایجاد فضای لازم برای رشد و شکوفایی استعداد‌های دانش‌آموزان
- استفاده مناسب از تواناییهای تخصصی و مهارتی اولیا
- برگزاری جلسات مشترک اولیا و مربیان به طور مستمر
- کیفیت بخشی به امر آموزش در مدارس.

بدیهی است که با توجه به این انتظارات بجا و شایسته و تلاش برای برآورده ساختن آن‌ها می‌توان از والدین نیز انتظار مشارکت بیش‌تر در امور آموزش و پرورش داشت و به آن‌ها برای مشارکت، انگیزه بخشید (ایمان، ۱۳۸۰: ۲۴).

### ۲-۴-۳- توجه به سنت وقف

همان‌گونه که گفته شد، وقف از دیرباز میان ایرانیان جایگاهی ویژه در فراهم ساختن امکانات و پشتیبانی فعالیت‌های عام‌المنفعه بوده است و این سنت حسنه از دوران ایران باستان وجود داشته و مردم از طریق وقف کردن اموال و املاک خویش به حمایت از فعالیت‌های مفید از جمله آموزش و پرورش می‌پرداختند. در دورل اسلامی نیز وقف رواج بسیار داشت و از سنت‌های نیکوی اسلامی بود. شایسته است که این سنت نیکوی ایرانی و اسلامی باری دیگر مورد توجه قرار گیرد و بستری شود برای مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش (خانیک، ۱۳۷۷: ۳۸).

### ۲-۴-۴- اصلاحات ساختاری در آموزش و پرورش

جهت فراهم نمودن زمینه‌ی مشارکت مردم در آموزش و پرورش، اصلاح ساختار فعلی آموزش و پرورش امر ضروری به نظر می‌رسد و در ساختار جدید می‌بایست اختیاراتی به مدیران مدارس، معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و مردم داده شود.

### ۲-۴-۵- بازآموزش مشارکت به والدین

به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر بین فعالیت‌های تربیتی مدارس و خانواده‌ها آموزش خانواده می‌باید با جدیت پیگیری گردد.

### ۲-۴-۶- بازآموزی مشارکت به معلمان و مدیران مدارس

مدیران مدارس می‌باید نسبت به نقش مشارکت اولیای دانش‌آموزان در بیشتر اهداف واحدهای آموزشی توجیه‌گردند تا خود مدیران امر مشارکت اولیا را تسهیل نمایند.

#### ۷-۴-۲- افزایش اختیارات اولیا در متن آیین‌نامه‌های مدارس

به منظور فراهم نمودن زمینه‌ی مشارکت بیشتر اولیای دانش‌آموزان می‌باید در آیین‌نامه اجرایی مدارس اختیارات بیشتری به انجمن اولیا داده شود.

#### ۸-۴-۲- گسترش سهم مشارکت مردمی در قوانین دولتی

مشارکت، بستر فرهنگی و اجتماعی مناسب می‌طلبد، از این رو ضرورت دارد دولت در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به این امر توجه کند، و در جهت نهادینه نمودن فرهنگ مشارکت در جامعه تلاش کند (آقازاده، ۱۳۷۲: ۴۶).

#### ۹-۴-۲- ارتقای سطح کیفی مدارس دولتی

به جای گسترش مدارس غیر انتفاعی، پیشنهاد می‌گردد کیفیت مدارس دولتی بالا رود تا اولیا مشارکت بیشتری داشته باشند. باید این حقیقت را پذیرفت که راه درست پوشش دادن کاستی‌های مدارس دولتی، افزایش بی‌رویه مدارس خصوصی و غیرانتفاعی نیست، بلکه باید سطح کیفی مدارس دولتی بالا برود.

#### ۱۰-۴-۲- ارائه گزارش

ارائه‌ی گزارش فعالیت‌های مدارس به اولیا موجبات همکاری بیشتر آن‌ها خواهد شد. با این گزارش‌ها می‌توان به اولیا این حس را القا کرد که وجودشان و حضورشان در امور مدرسه مفید و موثر است و با ایجاد انگیزه از این طریق، مشارکت بیش‌تری را از آنان طلبید.

#### ۱۱-۴-۲- گسترش دادن مصداقی مفهوم مشارکت

برداشت و تصور مسئولان آموزش و پرورش و مردم نسبت به مفهوم مشارکت متفاوت و محدود می‌باشد. شایسته است جهت هماهنگی دیدگاه‌ها و تقویت نگرش‌ها برنامه‌ریزی گردد.

#### ۱۲-۴-۲- برجسته کردن مقوله مشارکت در رسانه‌ها

اولیای دانش‌آموزان و مردم از اهمیت مشارکت و نقش آن در پیشبرد آموزش و پرورش آگاهی لازم را ندارند، ضرورت دارد وزارت آموزش و پرورش با همکاری رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت در این زمینه تدارک ببیند (همان، ۱۳۷۲: ۴۸).

#### ۱۳-۴-۲- توجیه‌سازی مدیریتی در حوزه مشارکت مردمی

مدیران سطوح مختلف وزارت آموزش و پرورش به ویژه مدیران مدارس نقش مهمی در چگونگی مشارکت مردم در آموزش و پرورش دارند. تحقق یا عدم تحقق مشارکت مردم در بسیاری از موارد به این مدیران بستگی دارد؛ لذا شایسته است برای آگاه‌سازی مدیران از این امر، برنامه‌های آموزشی خاصی تدارک دیده شود (خانگی، ۱۳۷۷: ۲۴).

#### ۱۴-۴-۲- وضع قوانین مفید برای مشارکت مردمی

اولیای دانش‌آموزان در حال حاضر نقش چندانی در اداره مدرسه ندارند، می‌بایست توسعه‌ی مشارکت اولیا در امور مدارس قانونمند گردد.

#### ۴-۱۵-۲- وضع نظام تشویقی برای موفقیت‌های مشارکتی

آموزش و پرورش طرحی را فراهم نماید تا تجربه‌های مدیران، معلمان و کارکنانی را که در امر مشارکت موفق بوده‌اند به صورت مدون جهت بهره‌مندی در اختیار مدارس قرار گیرد.

#### ۴-۱۶-۲- تبیین این حقیقت که مشارکت، تنها مادی و مالی نیست

یکی از موانع جلب مشارکت مردمی در حوزه آموزش و پرورش، شیوع این باور اشتباه است که مشارکت صرفاً یعنی همیاری مالی و این باور اشتباه اما رایج، موجب مقاومت ذهنی والدین و بی‌رغبتی آنان جهت مشارکت می‌شود. نظر به این اکثر تحقیقات

انجام شده در مورد مشارکت بیشتر به مشارکت مالی و مادی توجه کرده‌اند، لذا لازم است در مورد ابعاد مشارکت و راه‌های مشارکت غیر مادی هم تحقیقاتی صورت گیرد (همان: ۲۶).

### ۳- نتیجه‌گیری

مشارکت در امور آموزش و پرورش، از سنت‌های نیکوی ایرانی و اسلامی است که ریشه در هزاره‌های دور تاریخ ایران دارد. به گواهی متون و شواهد تاریخی، ایرانیان از کهن‌ترین اعصار به صورت فعال و گسترده در حوزه آموزش و پرورش کودکان خویش مشارکت عمومی داشته‌اند. نخستین مدرسه کودکان، خانواده بوده‌است و نخستین آموزشی که خانواده به کودکان می‌دادند، نخست، نام خداوند و آموزه‌های نیک دینی بوده‌است. همچنین اشعار، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و پندها دیگر آموزه‌هایی بودند که کودک در آغوش گرم خانواده می‌آموخت. سپس مدارس نیز جنبه دینی داشتند و با مشارکت‌های مردمی اداره می‌شدند. یکی از جلوه‌های نیکوی مشارکت مردمی در حوزه آموزش و پرورش در ایران باستان، سنت وقف بود که حتی از دوره پیش از اسلام نیز بسیار رواج داشته‌است. همه این سنت‌های نیکو در دوره اسلامی نیز باقی ماند و با آموزه‌های متعالی اسلام همراه گشت. بنابراین مشارکت در آموزش و پرورش در ایران پدیده‌ای است همیشگی و امری نوآمده نیست. در این مقاله سعی بر آن شد که با بازاندیشی در پیشینه مشارکت ایرانیان در حوزه آموزش و پرورش و نیز توجه به نیازهای امروزی، پیشنهادهایی برای جلب مشارکت بیشتر مردم در فرایند آموزش و پرورش ارائه گردد. بدین منظور شیوه‌هایی پیشنهاد شد که مهمترین آنها عبارتند از: بازاندیشی در سنن ایران و اسلام در جهت شناخت شیوه‌های مشارکت احیا کردن سنت حسنه وقف در حوزه آموزش و پرورش، ارائه گزارش به والدین، فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها، تغییر در ساختارهای آموزش و پرورش، توسعه جایگاه مشارکت در آیین‌نامه‌ها، وضع قوانین تازه، ایجاد اراده و عزم همگانی در جامعه برای افزایش مشارکت و بسیاری از شیوه‌های دیگر که می‌تواند در توسعه سنت حسنه مشارکت در آموزش و پرورش موثر باشد و باری دیگر آموزش و پرورش را مانند دوره‌های شکوهمند تاریخ ایران و اسلام، تبدیل به نهادی مردمی، دین‌محور و پیشرو سازد.

### فهرست منابع

- آقازاده، احمد. (۱۳۷۱). *آموزش و پرورش تطبیقی*. چاپ اول. تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۲). «شیوه‌های مدیریت و مشارکت مردم در آموزش و پرورش انگلستان و ژاپن». *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت*. شماره ۱ و ۲. صص ۴۵-۵۸.
- آرام، احمد. (۱۳۷۴). *تاریخ ویل دورانت (کتاب اول، مشرق زمین. گاهواره تمدن)*. تهران: امیرکبیر.
- ایمان، محمد تقی. (۱۳۸۰). *ارزیابی طراحی تشکیلات مشارکت های مردمی انتشارات شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان فارس*. شیراز: انتشارات آموزش و پرورش استان فارس.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- خانیکی، هادی. (۱۳۷۷). «فرهنگ مشارکت و راهکارهای توسعه آن». *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی*. شماره ۱۷. صص ۲۴-۳۸.
- ضمیری، محمد علی. (۱۳۷۲). *تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلامی*. چاپ دوم. شیراز: انتشارات شیراز.